اشکال مهمی در صورت اجتماع أمر و نهی در صورت جهل به حکم و موضوع وجود دارد بزرگان که بسیاری از بزرگان در سدد بر طرف کردن آن بوده اند و بیاناتی داشته اند. مرحوم‌ آخوند نیز برای جاب این اشکال سه جواب مطرح کرده است که بعد بیان اشکال آن جواب ها را مطرح می­کنیم.

**اشکال:** جهل قصوری جلوی تنجُّز نهی را می­گیرد و استحقاق عقاب را بر می­دارد اما عامل صحت عبادت و سقوط أمر نمی­شود زیرا مناط صحت عبادت وجود أمر است و فرض ما این است که با تقدیم جانب نهی أمر عبادی باقی نیست لذا باید حکم به فساد عبادت کنیم و بگوییم أمر عبادی امتثال نشده است یعنی کسی که حرمت غصب را نمی­داند یا اینکه نمی­داند این زمین غصبی است و نماز بخواند إمتثال حاصل نشده است زیرا جهل به حرمت یا غصب حدّش این است که این آقا عقاب ندارد ولکن هرگز نماز از گردنش ساقط نمی­شود لذا چرا برخی از فقیها حکم به صحت نماز و سقوط أمر می­کنند؟

مرحوم آخوند از سه راه این مشکل را حل کرده است.

**راه اول:** ( از طریق ملاک ) یعنی نماز مصلحت دارد و با مفسده نهی از بین نمی­رود کسی که جاهل به حرمت غصب است یا جاهل به موضوع غصب است فکر می­کند که این نماز را انجام می­دهد بخاطر اینکه مصلحت دارد وقتی نماز را به قصد مصلحت انجام دهد آن نماز صحیح است زیرا عبادیَّت عبادت منحصر به قصد أمر نیست بلکه اگر به قصد ملاک هم بیاورد عبادیَّت محقق می­شود

بله اگر عالم به حرمت غصب یا موضوع غصب باشد یا جاهل مقصِّر باشد نماز صحیح نیست زیرا علم و تقصیر مبعِّد است و مبغوضیَّت می­آورد و مبغوض، ممتنع است با محبوب و مقرِّب جمع شود

نتیجه اینکه حسن فاعلی برای جاهل قاصر وجود دارد یعنی این نماز را با قصد قربت در مکان غصبی خوانده است لذا أمر عبادی ساقط می­شود. عبارت آخوند: فالأمر یسقط بقصد التقرب بما یصلح...

**راه دوم:** ( از طریق إمتثال ) عبارت أخوند: مع أنه یمکن أن یقال بحصول الإمتثال

**تقریب استدلال:** این نماز در مکان قصبی جامع اجزاء و شرائط است فقط مزاحم دارد و مزاحم آن نهی غصبی است اما جهل قصوری معذِّر است و نمی­گزارد نهی لا تغصب مزاحمت کند لذا عقل تفاوتی بین افراد طبیعت صلِّ در وفاء به غرض قائل نیست همانگونه که نماز در مسجد وافی به غرض است همچنین نماز در مکان غصبی برای جاهل قاصر وافی به غرض است نظیر مزاحمت ازاله با نماز ، اگر ازاله نکند و نماز بخواند آن نماز کم بودی ندارد لذا گفته اند صحیح است هکذا نماز در زمین غصبی هم کم بودی ندارد و جامع اجزاء و شرائط است.

**راه سوم:** ( از طریق تزاحم احکام )

**تقریب استدلال:** تزاحم احکام در مرتبه فعلیَّت است یعنی در مرتبه بعث و زجر است که همان مرتبه حدوث اراده مولی است. خدا می­خواهد برساند که من نماز را دوست دارم و از غصب متنفِّر هستم

اما مرتبه انشاء مرتبه صلاح و فساد است در این مرتبه احکام تزاحمی ندارند مولی در آن مرتبه می­خواهد ببیند فلان عمل مصلحت یا مفسده دارد یا خیر؟ اگر مصلحت دارد أمر را و اگر مفسده دارد نهی را انشاء کند

لذا ثابت شد که مرتبه تزاحم بین احکام در مرتبه فعلیَّت است نه در مرتبه انشاء

نتیجه: بنا براین در مواردی که نماز در دار غصبی خوانده می­شود قاعده تزاحم بین أمر و نهی است زیرا هم أمر به صلِّ فعلیَّت دارد و هم نهی لا تغصب فعلیَّت دارد کسی که جاهل قاصر است معذور است و معنی معذور بودن این است که نهی لا تغصب برای او فعلیَّت ندارد ( برای جاهل قاصر نهی لا تغصب در مرتبه انشاء است) لذا فقط أمر به صلِّ فعلیَّت پیدا می­کند در نتیجه نماز در دار غصبی صحیح و مقرِّب است لوجود الأمر الفعلی زیرا نماز را به قصد أمر فعلی می­آورد و نهی الأن در حق او فعلیَّة ندارد زیرا جاهل قاصر است.